

ای امت اسلام! چه شده که جان‌هایشان خاموش و گام‌هایشان سنگین گشته است؟! برادرانسان، خون آلود و زخم‌خورده، دستانشان را به‌سوی شما دراز کرده‌اند و فریاد استغاثه‌شان آسمان را می‌تکافت؛ اما شما جز زمزمه دعایی کوتاه چه در پاسخ دارید؟! آیا ضعف بر شما چیره شده یا دل به این زندگی فانی بسته و از دیدار مرگ هراسانید؟! شوقان به دین، اشتیاقان به شهادت، کجاست؟! مگر نه آن که وعده پروردگار، یکی از دو نیکی است: پیروی یا شهادت؟! چگونه چشم بر صحنه‌های شکنجه و کشتار بسته‌اید و بر زمین بی‌عمل نشستید؟! آیا زمان آن نرسیده که غیرت صادقان در رگ‌هایشان بجوشد، همچون موجی خروشان بریزند، ریشه ستمگران را برکنند و مستضعفان را به آغوش پیروزی برسانند؟! **پرسانید؟!**



در این شماره می خوانید:

بسیست ونجین نیست سرن اروپا و چین؛ آیا اختلافات میان آن‌ها حل شد؟ ... ۲
مسیر به‌سوی آینده یا تقویت سلطه جهانی سرمایه‌داری؟ ... ۲
خطر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سوریه بر حاکمیت و استقلال تصمیم آن... ۳
اهداف سفر مسعود بولس به لیبی... ۴
آمریکا نیست «چهارچانه» دربارہ سودان را به تقویت انداخت تا «سناریو سیاسی» در این کشور به مرحله دلاخواهی برسد... ۴

چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۴۴۷ ق. ۶ اکتوبر ۲۰۲۵ م. ۱۵ مرداد ۱۴۰۴ ه.ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

مقاله برگزیده

نفوذ رژیم غاصب در سرزمین شام (دیدگاه شرعی)

استاد ابو المعز بالله الاشقر

مسلمانان سیزده قرن از تاریخ را زیر پرچم واحد و در چارچوب دولت واحدی زیسته‌اند و با وجود دوره‌هایی از ضعف و انحطاطی که این دولت به خود دید، احکام شرعی همواره به آن وابسته باقی ماند؛ در رأس این احکام، حکم جهاد بود؛ جهادی که به‌معنای آغاز جنگ با کفار به‌منظور برافراشتن کلمه‌الله و گسترش دعوت است. بااین‌حال، مسلمانان دوره‌هایی از ضعف را پشت سر گذاشتند که کفار در آن به سرزمین‌هایشان حمله‌ور شدند؛ همچنان در غزه‌های احد و خندق برای رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و صحابه‌ها رخ داد. از همین‌رو، به‌طور طبیعی این تقسیم استراتژی از جهاد شکل گرفت:

جهاد طلبی: که در آن اجازه امام شرط است و احکام و شروط خاص خود را دارد؛ در رأس آن‌ها شرط توان و استطاعت.

جهاد دفع: که شارع (الله سبحانه‌وتعالی) برای آن شروط خاصی قرار ن داده، و اجازه امام در آن شرط نیست. پس مرد زن و حتی کودکان برای جنگ بیرون می‌روند، هرکس به‌اندازه توان خویش. این امر به‌شکل عملی در زمان یورش مغول به بغداد، و در زمان حمله مسلمانان به مناطق اندلس پس از تفرق ملوک طوایف پیاده شد؛ به‌گونه‌ای که همه می‌جنگیدند، هر یک در چارچوب توان و قدرت خویش. چراکه جهاد دفع، به‌منظور دفع آسیب کافر از سرزمین اسلام و عقب‌نزدن کید او از سر مسلمانان واجب است و در چنین حالی، تصور شرط‌روان دادن امام ممکن نیست؛ زیرا فایده جهاد با تأخیر و انتظار و تنظیم و اجازه از میان می‌رود به‌ویژه آن‌که کافر حرم سرزمین اسلام را شکسته است.

اساس دلیل این حکم، فرموده‌ی الله سبحانه‌وتعالی است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» و نیز حدیث رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم: «هرگاه شما را به کاری فرمان دادم، تا جایی که توان دارید، آن را انجام دهید». پس جهاد در چنین حالتی یعنی زمانی که کافر به سرزمین اسلام یورش می‌برد و واجب قطعی است و به شروط مرسوم جهاد طلب وجوبی نه‌شود. جهاد در چنین وضعی واجب عینی و مفروض است، حتی اگر یک وجب از سرزمین اسلام اشغال شود، یا کافری به سرزمینی اسلامی تجاوز کند.

آنچه ما به بیان این سخن وامی‌دارد، همان نفوذ مستقیم است که رژیم یهود در سرزمین شام اعمال می‌کند، و نیز افزایش مداخلات سیستمی که مدعی‌اند نمی‌خواهند به جنگ‌هایی کشیده شوند که رژیم یهود آن‌ها را بر منطقه تحمیل می‌کند. همین سیستم است که سبب می‌شود ضربات و سیلی‌ها را یکی پس از دیگری دریافت کنند. حکم شرعی حتی مطابق با تقسیم «سایکس-پیکو» آنان را ملزم می‌سازد که از کشور و سرزمین‌شان به‌دور از دسترس استیلاست دفاع کنند و نفوذ رژیم یهود را جز پاسخ نظامی متناسب با توان، متوقف نمی‌سازد.

پذیرفته نیست که گفته شود سوریه کشوری ضعیف است یا توان ایستادگی در برابر رژیم صهیونیستی را ندارد؛ این سخن نادریست است. چراکه دلیل شرعی، آنان را به دفاع از کشور و سرزمین‌شان ملزم می‌سازد، نه نشستن در جایگاه تماشاگر و آن بزرگشان آشکارا می‌گوید که تجاوز آشکار به سرزمین شام، نقض همه بیانیه‌های بین‌المللی و عرفیه دیپلماتیک است و روند صلح در منطقه را به تأخیر می‌اندازد؛ گوئی‌ها منتظر اویم که وضعیت را توصیف کند، نه آن‌که برای درمان آن اقدامی کند؛ توصیف وضعیت را که همه بلدند، از زنان و پیران گرفته تا یکبار: آیا این همان چیزی است که از حاکمی انتظار می‌رفت که بنا بود چون سیری باشد که از او پرهیز شود و در پشت سرش چنگیده‌شود؟! **چنگیده‌شود؟!**

ذاتی که حاکمان کنونی سوریه بر مردم شام تحمیل کرده‌اند، باعث شد تا تجاوزات رژیم صهیونیستی و مخالفت‌هایش در السودان، و مردم آن، عریه‌مندی‌هایش، و مداخلاتش به وزارت دفاع و کاخ ریاست‌جمهوری، به اقداماتی تبدیل شود که رژیم صهیونیستی هرگز جرأت انجام آن‌ها را نداشت اگر مرادی در میان مردم بودند. اینک می‌بینیم که مردم غزه، تاریخ را نگاشته و نام خود را در دفتر بزرگان ثبت کرده‌اند، با آن‌که یک‌دهم آنچه دشمنشان در اختیار دارد را ندارند؛ بلکه حتی یک‌دهم آنچه حاکمان شام دارند نیز در اختیارشان نیست.

۴ صفحه

اجلاس بین‌المللی صلح در نیویورک؛ آنچه یهود با سلاح به آن نرسید، با توطئه‌ها به دست می‌آورد!

استاد عامر ابو الریش _ بلاد مبارک فلسطین



اجلاس بین‌المللی درباره حل‌وفصل مسأله‌تأخیر مسئله فلسطین و اجرای راه‌حل دو دولتی که در فاصله ۲۸ تا ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۵ در نیویورک با ریاست مشترک عربستان سعودی و فرانسه برگزار شد. بیانیه پایانی تحت عنوان «اعلامیه نیویورک» صادر کرد؛ که در آن، توافق بر سر اتخاذ «گام‌های ملموس» و «وابسته به چارچوب زمانی و غیرقابل بازگشت» برای حل مسئله فلسطین اعلام شد.

افزون بر مشارکت عربستان در ریاست این اجلاس در کنار فرانسه، همچنین اتحادیه عرب، مصر، اردن، قطر، ترکیه، اندونزی، سنگال، بریتانیا، اتحادیه اروپا و دیگر کشورها نیز در آن مشارکت داشتند.

اگر نگاهی سریع به اعلامیه نیویورک بیندازیم، درمی‌یابیم که این اجلاس که در ظاهر برای توقف گرسنگی تعمیل‌شده بر مردم غزه، پایان دادن به جنگ و بررسی‌شدن‌تاختن کشور فلسطین برگزار شده، در باطن و افرون بر آنچه به‌مهرجارت در آن آمده، در حقیقت برخلاف آن است؛ چراکه این اعلامیه، خط اصلی عریضی را ترسیم می‌کند که در صورت اجرا، تحقق چیزی را تضمین می‌کند که ماشین نظامی اشغال‌گر با زور، تسلطی و گرسنه‌داشتن نتوانسته آن را بر زمین محقق سازد. همچنین، بر آن است که بندهای آن برای رژیم یهودی پذیرفتنی باشد و مشروعیت کامل برای تمام اقداماتش را ببخشد. این اعلامیه، هنگام سخن گفتن از آنچه از اشغال‌گر

استاد

بخش بانوان در دفتر اطلاع‌رسانی مرکزی حزب‌التحریر آغاز کمپین جهانی با عنوان: «جنگ سودان: داستان استعمار، خیانت و ناکامی»

جنگ خونین سودان میان ارتش به رهبری «برهان» و نیروهای واکنش سریع به فرماندهی «محمد دقلو» وارد سومین سال خود شده است؛ جنگی که جان ده‌ها هزار غیرنظامی را گرفته و فجایع هولناکی چون کشتار جمعی، اعدام‌های میدانی، شکنجه، تجاوزهای گروهی و... همچنین پاکسازی نژادی را به همراه داشته است. با این‌همه، حمام خون و فاجعه انسانی ناشی از این جنگ، توجه جهانی و پوشش رسانه‌ای بین‌المللی درخور خود را نیافته و تلاشی جدی برای پایان آن صورت نگرفته است. از این‌رو، بخش بانوان دفتر اطلاع‌رسانی مرکزی حزب‌التحریر، کمپینی جهانی را برای روشن‌کردن ابعاد این فاجعه که بر مردم سودان فرود آمده، آغاز کرده است.

این کمپین به بررسی سیاست‌ها و دستورکارهای پنهان پشت این درگیری و نقش کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی در دامن‌زدن و پشتیبانی از آن در راستای منافع خود خواهد پرداخت. همچنین تاریخ سودان را از منظر مداخلات استعماری و حاکمیت دیکتاتوری‌های غرب‌گمارده بررسی می‌کند؛ دیکتاتوری‌هایی که بذر تفرقه‌های قبیله‌ای، نژادی و مذهبی را میان مردم گاشتند و آتش جنگ‌های پایپای را برافروختند؛ جنگ‌هایی که دهه‌ها این کشور را ویران و اقتصادش را نابود کردند.

این کمپین همچنین بر ناممکن‌بودن حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سودان و نیز جنگ جاری، در مسیر نظام دموکراتیک تأکید می‌کند؛ نظامی که ناتوانی خود را در برآوردن نیاز ملتها نشان داده و در تسلط‌های گوناگون از غزه و کشمیر تا ویتنام و سوریه دست داشته است. مشکلات بی‌شمار سودان و دیگر کشورهای اسلامی، تنها در سایه «دولت خلافت» حل‌شدنی است؛ دولتی که تاریخاً توانایی خود را در تحقق رفاه و پیشرفت، ارائه نظام‌های پادشاهی و آموزشی برتر و تضمین همزیستی میان قبیایل، تژادها و برای پیگیری کمپین:

محاتت رسمی: <https://www.hizb-ut-tahrir.info/ar/index.php/hizb-campaigns>

فیسبوک: QanitatHTI

اینستاگرام: Women_sharia

اوس (تویتر سابق): ALQANITAT@

لینک ویدئوی کمپین:

https://htmedia.hctm.info/CMO_WS

SDN_Camp_Trailer۰۴۰۸۲۰۴۵۸r.mp۴/۰۲۰۲۵/https://htmedia.hctm.info/CMO_WS

دولت «نآسیسی» نقشه آمریکا برای جداسازی دارفور

نیروهای واکنش سریع از طریق ائتلاف خود موسوم به «ائتلاف سودان نآسیسی» (تاسیس)، روز شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵، رئیس و معاون رئیس شورای ریاست در نخست‌وزیر را منصوب کردند؛ اقدامی که به معنای تشکیل دولتی موازی با حاکمیتی است که ارتش از بندر سودان در شرق کشور اداره می‌کند.

این اختلاف متشکل از سازمان‌های نظامی، سیاسی و مردمی است که مهم‌ترین آن‌ها نیروهای واکنش سریع و «جنش مردمی- شمال» می‌باشند. منشور اصلی این ائتلاف در فوریه گذشته در تایروبی، پایتخت کنیا، به امضا رسید.

ابراهیم عثمان (ابو خلیل)، سخنگوی حزب‌التحریر در ولایت سودان، در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت: ما در حزب‌التحریر/ ولایت سودان همواره نقشه آمریکا را برپا کرده و مردم سودان را هشدار داده‌ایم که جنگ در این کشور، دارای دستورکار استعماری برای تجزیه آن است و در پشت این ماجرا، سرشز آمریکا ایستاده است؛ از طریق عواطف در رهبری ارتش و فرماندهی واکنش سریع، همان‌گونه که دولت الشیر، با مهدستی «جنش مردمی» به رهبری هلاک‌شده جان فریق، جنوب سودان را جدا کرد، امروز نیز دولت برهان همراه با نیروهای واکنش سریع، در موضوع دارفور همان نقشه را دنبال می‌کند؛ با عقب‌نشینی‌های مشکوک، تحویل پادگان‌ها و شهرها به نیروهای واکنش سریع و خودداری از حرکت ارتش و هواپیماها برای سرکوب شورش آنان؛ درحالی‌که ارتش سودان، در صورت برداشتمشدهن مبار از دست‌ان، قادر به پایان دادن به جنگ و آزادسازی کشور و مردم است.

وی افزود: الشیر پیش‌تر اعتراف کرده بود که جدایی جنوب را تحت فشار آمریکا پذیرفته و گفته بود: «جدایی جنوب تحت فشار آمریکا بود و نقشه آمریکا، تقسیم‌سودان به پنج کشور است». پس از آن نیز اعترافات دیگر ارکان حکومت و وزرای خراجش ادامه یافت که نشان می‌دهد آن‌ها از نقشه آگاه بوده و آن را اجرا می‌کردند. امروز همان سناریو در دارفور تکرار می‌شود؛ با برنامه‌ریزی برای جداسازی آن از طریق نیروهای واکنش سریع که تقویت‌شان زیر نظر فرمانده ارتش، برهان، صورت گرفت.

ابو خلیل ادامه داد: واقعاً دردناک است که سرشز آمریکا، این دولت کافر استعمارگر بتواند جنگی را که جان‌ها را می‌گیرد، از طریق عوامل خود اداره کند؛ عواملی که آشکارا و بی‌پرده این نقشه را پیش می‌برند و رسانه‌های همسو و گمراه‌کننده و سیاستمداران مزدور که دغدغهای جز ششستن بر مندی‌های بسپیده ندارند، آن‌ها را یاری می‌دهند؛ درحالی‌که اداره کار به دست همان کافر استعمارگر است.

او افزود: تجزیه سرزمین‌های مسلمانان جاتی‌تی بزرگ است و هر کس در آن شرکت کند، گناهش را بر دوش خواهد داشت. پیامبر ملتی الله علیه وسلم درباره عرقه بن اسعد فرمود: «هر کس نزد شما آید درحالی‌که کارتان بر یک نفر استوار است و بخواید اتحاد شما را بشکند یا جماعت شما را پراکنده کند، او را بکشید» (روایت مسلم) و مسلم از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر ملتی الله علیه وسلم فرمود: «هرگاه با دو خلیفه بیعت شد، دومین آن دو را بکشید». این احادیث بر لزوم حفظ وحدت امت و پرهیز از تفرقه تأکید دارد.

ابو خلیل در پایان بیانیه‌اش گفت: بر این اساس، ما در حزب‌التحریر/ ولایت سودان از افسران مخلص ارتش و اهل قدرت نفوذ می‌خواهیم که این جنایت شوم را متوقف کنند و مانع اجرای نقشه‌های فاجعه‌بار آمریکا و همه دولت‌های استعماری و موافشان در کشور ما شوند و پروژه بزرگ امت را با اقامه خلافت راشده بر منبج نبوت یاری دهند؛ که تنها این نظام، راه نجات و رهایی است.

بیست و پنجمین نشست سران اروپا و چین؛ آیا اختلافات میان آن‌ها حل شد؟

استاد اسعد منصور



نشست سران اروپا و چین در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۵ در پکن به مناسبت پنجاهمین سال روابط میان دو طرف برگزار شد. ششی چین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، این نشست را با احنی تند نسبت به اروپاها آغاز کرد و گفت: «چین منبع چالش‌های کنونی اروپا نیست. میان چین و اتحادیه اروپا تضاد منافع وجود ندارد و هیچ اختلاف ژئوپلیتیکی اساسی در میان نیست» این سخنان نشان‌دهنده عمق اختلافات میان طرفین است. از همین رو، او آنان را به تفاهم فرخواند و گفت: «هرچه وضعیت بین‌المللی فزاینده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، رهبران چین و اروپا باید ارتباطات را فشرده‌تر، اعتماد متقابل را تقویت، همکاری را ژرف‌تر کرده، آینده‌نگری، پایبندی و تصمیم‌گیری راهبردی درستی را که خواسته ملتها را برآورده و در آزمون تاریخ پایدار بماند، از خود نشان دهند».

رهبران اروپایی شرکت‌کننده نیز اختلافات خود با چین را آشکار ساختند. اورزولا فون درلارین، رئیس کمیسیون اروپا، گفت: «ضرورتی است که هر دو طرف چین و اروپا نگرانی‌های یکدیگر را به رسمیت بشناسند و راه‌لهای ملموس ارائه دهند... هرچه همکاری‌مان عمیق‌تر شد، ناهماهنگی‌ها نیز عمیق‌تر گردیدند... و از اساس، باید تعادل را به روابط دوجانبه بازگردانیم» شارل میشل، رئیس شورای اروپا، نیز گفت: «اتحادیه اروپا مایل است شاهد پیشرفت ملموس در مسائل مربوط به تجارت و اقتصاد باشد».

اختلافات میان دو طرف عمیق است و این نشست آن‌ها حل نکرد. آنچه این امر را تأیید می‌کند، اعلام ناگهانی چین درباره کوتاه‌کردن مدت نشست به یک روز است درحالی‌که پیش‌تر برای دو روز برنامه‌ریزی شده بود. همچنین شی پیشاپیش دعوت اروپا برای سفر به آجا و برگزاری نشست در بروکسل را رد کرده بود و این اروپا بود که کوتاه آمد و پذیرفت نشست در پکن برگزار شود؛ امری که نشان‌دهنده نیاز شدید اروپا به بهبود روابط با چین است. در مقابل، رئیس‌جمهور چین در ماه مه گذشته به روسیه سفر کرد تا در مراسم روز پیروزی آن کشور در جنگ جهانی دوم شرکت کند و بدین‌وسیله پیام دهد که چین در جنگ اوکراین از روسیه در برابر غرب حمایت می‌کند. این در حالی است که وانگ یی، وزیر خارجه چین، این موضوع را به‌صراحت رد دیدار با کایا لاس، نماینده سیاست خارجی اروپا، در بروکسل در تاریخ ۳ ژوئیه ۲۰۲۵ هنگام آهاده‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد، پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد،

پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد، پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد،

پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد،

پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد، پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد،

پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد، پیروزی روسیه در این جنگ، جایگاه چین را در برابر غرب تقویت می‌کند و آن را به ضمیمه‌کردن تایوان تشویق خواهد کرد؛ اما این مسئله برای اروپا حیاتی است؛ چراکه روسیه اکنون تهدید به اشغال شرق اوکراین کرده (لهستان، خط مقدم دفاعی در برابر غرب است، و اگر پیروز شود، طرف کالیبنگراد روسیه قرار دارند، طمع خواهد کرد و پس‌از آن اوبت به لهستان خواهد رسید؛ چون در راهبردش اتحادیه‌سازی این نشست بیان کرده و گفته بود: «چین نمی‌خواهد روسیه در جنگ اوکراین شکست بخورد،

مسیر به‌سوی آینده یا تقویت سلطه جهانی سرمایه‌داری؟

استاد عبد الحکیم عثمان

چهل‌وششمین نشست سران اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) که در تاریخ‌های ۲۶ و ۲۷ مه ۲۰۲۵ در کوالالامپور و با شعار «شمول‌گرایی و پایداری» برگزار شد، با مجموعه‌ای از اعلامیه‌ها و طرح‌های راهبردی به پایان رسید که به‌معنای تلاش برای ساختن آینده‌ای جامع، مقاوم و پایدار برای منطقه ارائه شد. «اعلامیه لالامپور درباره آسه‌آن ۲۰۴۵: آینده مشترک ما» به‌معنای سنده مرجع اصلی مطرح گردید که نقشه راهی بیست‌ساله را ترسیم می‌کرد و ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و دیجیتالی را در بر می‌گرفت (آسه‌آن، ۲۰۲۵).

در واقع، این نشست استقلال واقعی کشورهای عضو را نشان نداد؛ بلکه بیش از پیش، وابستگی ریشخدار آسه‌آن به نظام سرمایه‌داری بین‌المللی و تبعیض از ساختارهای قدرت جهانی را آشکار ساخت. آنچه بنام «آسه‌آن ۲۰۴۵» معرفی می‌شود، در حقیقت امتداد برنامه‌های نولیبرالی برای ادغام منطقه‌ای‌ست. اصولی و اسلامی باشد، وجود ندارد.



اگرچه همکاری سمنجانه میان آسه‌آن، شورای همکاری خلیج فارس و چین به‌معنای همکاری اقتصادی جنوبی عرضه می‌شود، اما همچنان درون همان الگوی سرمایه‌داری باقی مانده است. چراکه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز در درون نظام سرمایه‌داری جهانی عمل می‌کنند و این‌گونه نواقعی، تنها امتداد دیگری از گسترش نولیبرالیسم فرامرزی به‌معنای می‌روند. کاملاً دور از هرگونه تلاش عادلانه برای وحدت سیاسی امت اسلامی در سایه خلفاتی که شریعت اسلامی را به‌طور کامل اجرا کند.

به‌همین‌سان، نشست اقتصادی زنان در اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (AWES ۲۰۲۵) نیز توانمندسازی زن را از منظر بره‌ورزی لیبرالیستی به تصویر کشید؛ جایی که زن صرفاً به عنصری اقتصادی برای تأمین نیازهای بازار کار جهانی فروگذاشته می‌شود، در حالی‌که نقش اساسی او در ساخت خانواده، پرورش نسل‌ها و انسجام اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. نظام سرمایه‌داری همچنان ارزش زن را بر پایه مشارکت او در تولید ناخالص داخلی می‌سنجد؛ در حالی‌که اسلام، زن را مخلوقی شریف می‌داند که نقش‌هایی خاص و ممتاز برای او تعیین کرده است. توانمندسازی حقیقی زن، تنها در نظامی اجرائی کامل نظام سرمایه‌داری محقق می‌گردد، نظامی که کرامت زن را بر پاس می‌دارد و میان حقوق و مسئولیت‌های او توازن برقرار می‌سازد. در خصوص مسائل زیست‌محیطی نیز، تصحدها اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا نسبت به توسعه پایدار اقدام آفیفی، همچنان به‌دلیل تداوم وابستگی به سوت‌های فسیلی، آن‌هم زیر پوشش تأمین امنیت انرژی، تضعیف می‌شود. پایداری در چارچوب نظام سرمایه‌داری، چیزی بیش از شعاری تبلیغاتی نیست که حقیقت نیفته در پس آن یعنی طمع و بهره‌کشی نظام‌د از منابع را می‌پوشاند. ز ما زمانی‌که تغییر رخ‌دهد در اندیشه حاکم بر توسعه سرمایه‌داری صورت نگیرد، هر سخن زیست‌محیطی، چیزی جز نمایی فریبنده نخواهد بود.

در حوزه امنیت و ژئوپلیتیک، اتحادیه آسه‌آن بار دیگر ناتوانی خود را در مدیریت مؤثر بحران‌ها یا تکیه بر مواضع اصولی نشان داد. موضوع ادامه‌دار یمن‌مار که از طریق اجماع پنج‌گانه ناگازمد مدیریت می‌شود، بیانگر آن است که آسه‌آن، پلنفرمی دیپلماتیک و ضعیف است که فاقد هرگونه قدرت اجرایی‌ست. در موضوع دریای جنوبی چین نیز، با وجود ارجاعات مکرر به کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد و دعوت‌ها به راحل مسالمت‌آمیز، اراده سیاسی لازم برای مواجه مؤثر با اقدامات قاطعانه چین وجود ندارد. آسه‌آن همچنان نهادهای تکتوکراتیک باقی مانده که بر پایه اجماع عمل‌گرایی اداره می‌کنند، نه بر اساس روشنگری اصولی، با حاکمیت واقعی.

از نظر اقتصادی، تحمیل تعرفه‌های گرگی از سوی آمریکا بر شش کشور عضو اتحادیه آسه‌آن، بیانگر ضعف اقتصادی این منطقه در چارچوب نظام جهانی کنونی است. بجای تلاش برای رهایی از این نظام سرمایه‌داری، این اتحادیه با شتاب‌بخشیدن به مذاکرات مربوط به توافق‌نامه‌هایی مانند توافق تجارت آزاد آسیا-تایوان (ATIGA) و توافق تجارت آزاد آسه‌آن-۳۱ واکشتن نشان داد. این اقدامات موجب تثبیت جایگاه اتحادیه آسه‌آن در ساختار سازمان تجارت جهانی و نظام تجارت آزاد جهانی گردید؛ نظامی که کشورهای اسلامی را صرفاً به بازارهایی مرفعی از ظهور آن جات‌دهنده جلوگیری می‌کند همان اسلام که در قالب دولت خلافت راشده بر منچ نبوت بر شدت این وضعیت، حضور مقامات بلندپایه

ادامه: اجلاسی بین المللی صلح در نیویورک: آنچه یهود با سلاح به آن نرسیدند، با توطئه‌ها به دست می‌آورد!

خواستار راست، بر پایه احکام اسلام در قبال فلسطین با غیر آن باشد. افراط بحساب می‌آید. بمبارت‌زدگر، با حاکمی که بر پایه اجلاس صلح قرار است روی کار بیاید، خواسته می‌شود که با اسلام و دعوت‌گراان آن در غزه و سراسر فلسطین جنگد؛ بلکه فراتر از آن، چراکه اعلامیه شامل تغییر برنامه‌های درسی نیز هست آن‌هم پس از همه تغییراتی که پیش‌تر منجر به سرخ آن‌ها شده بود.

همچنین بر پایه این اعلامیه روشن می‌شود که تمام اقدامات مورد انتظار از تشکیلات، باید تحت آموزش آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و نهادهای بین‌المللی انجام شود؛ همان نیروهایی که پیش‌تر تحت آموزش «دایتون» بودند تا «فلسطینی جدید» را تربیت کنند؛ فلسطینی‌ها که آماده جنگیدن با مردم خود، یورش به اردوگاه‌ها و مهاجگی امنیتی (جاسوسی) است. همین نیروها طبق مفاد اجلاس آموزش خواهند دید تا دشمن هر کس می‌باشد که به آموزش اجازه دهد سلاحی علیه یهود بردارد؛ یعنی سربازانی برای محافظت از یهود و برای طراحی و تولید «فلسطینی رام و بی‌آزار» که اگر گریز او را هم بخورد، مفلت نکند؛ چراکه «صلح و هنرپرستی» را حتی در حال مرگ هم مقدس می‌شمارد.

در نهایت، تمام این شروط و مطالبات، چه از طریق این اجلاس و چه از طریق غیر آن، اگر اجرایی شود، تشکیلات خودگردان فلسطین با پیشینه شتاختم‌شده‌اش آآمدگی کامل برای اجرای قبیق و مو به مو حق آن را دارد؛ به‌گونه‌ای که از خود پادشاه هم پادشاه خواهد باشد؛ یعنی از خود یهود، آمریکا، نظام بین‌المللی و حاکمان مسلمان نیز فراتر رود.

همه این‌ها، در برابر نیود هرگونه تضمین با اقدام بین‌المللی قابل‌توجهی است که یهود را به چیزی وادار کند؛ بنابراین، وضعیت کنونی ادامه خواهد یافت و تحقق این‌که یهود پیش به تشکیلات دهد، غیرممکن است که برسد به تأسیس کشور مستقل فلسطینی؛ غاصه آن‌که تمام آنچه اجلاس که در ظاهر برای هم‌چردی با مردم غزه برگزار شد، ارائه کرده، چیزی نیست جز تلاشی برای ساختن پیروزی‌ای که یهود از دست‌یابی به آن ناتوان ماند؛ تلاشی برای تأمین امنیت او و ادغامش در منطقه اسلامی، بدون هیچ‌گونه مسئولیتی در برابر آن، جز افزایش کاذب اجباری و محاصره خف‌کننده غزه و کرانه باختری و سازمان‌های امر، مطابق همین اجلاس و اعلامیه‌اش، این است که آنچه از مردم فلسطین خواسته شده، باید فوراً و قاطعانه انجام شود؛ و آنچه از اشغال‌گر خواسته می‌شود، مشروط به مذاکرات جدیدی خواهد بود که تمام ابزارهای تحقق اهدافش در اختیار اوست!

ادامه: نفوذ رژیم غاصب در سرزمین شام (دیدگاه شرعی)

مسلمانان این پرونده را با اقتدار و قدرت اداره کردند، و دیدیم که آنان را که بی‌پای غرض «اقلیت‌ها» می‌نامد، قرن‌های متعدد در سرزمین‌های مسلمانان و زیر حاکمیت آنان رستخیزد، بدون آن‌که مشاهده شود آنان به‌صورت دسته‌جمعی هجرت کرده باشند، نه به‌خاطر حکومت مسلمانان و نه به‌خاطر ظلمی که بر آنان رفته باشد. بلکه حتی آن‌ها هم‌کیشان خود را که خارج از مرزهای دولت بودند، فرا می‌خواندند تا به ایشان پیوندند، از پس که عدالت و انصاف دیده بودند. اما امروز، روزگار «شبه‌حاکمان» سرزمین‌های مسلمانان، به چراگویی حاصل‌خیز برای هر چندجندی از اهل زمین تبدیل شده است؛ از اطراف نوزده می‌شود، کشور، بر پایه‌های گوناگون در سرزمین‌های اسلامی ذلالت می‌کنند، و با عنوان‌های فراوان می‌برند که حاکمان سرزمینی است؛ و با عنوان‌های حکومت خود را می‌کنند. آنان را این‌گونه ستیخ کرده، چون می‌برند که حاکمان برایشان کار می‌کنند، و کرسی حکومت خود را مدیون آن‌ها هستند و سرزمین‌های پهنر در دیگر موارد از سرزمین‌های مسلمان نیست، چراکه حاکمان، رژیم یهود را زیر نظر داری درانی‌که چولان می‌دهد، می‌کنند، و به‌عبارت دیگر و او فقط به توصیف و محکوم‌سازی بسنده می‌کند، گویی کشور از آن او نیست، و کشتمندسازی رعیت او نیستند! همین ششخن، تا دیروز که هنوز بر کرسی خودنیک تکیه نکرده بود، کفار را به جهاد و نبرد دینی می‌کرد؛ اما امروز، او و کفار، هر دو به مردم شام می‌کنند و آنچه در السویدا، انجام داد از جمله غلبه‌نشین نیروهای نظامی و امنیتی، و رهاکردن مردم در برابر گروه‌های مسلحی که از آن‌ها هم‌پشمارانند و هم میهن‌تر بهترین دلیل بر آن هم‌دست و او در روز قیامت در این‌باره مورد سوال قرار خواهد گرفت؛ پس باید پاسخی برای این پرسش آماده سازد!

جوانان حزب‌التحریر در القصار فلسطانی را به یاری غز فراخواندند



روز دوشنبه ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۵، ساعت یک بعدازظهر، جوانان حزب‌التحریر، ولایت سودان در شهر القصار، در کنار مسجد عتیق بازار القصار، کردهای حمایتی از مردم غزه برگزار کردند. آنان پلاکاردهای در دست داشتند که بر آن نوشته شده بود:

«رژیم یهود، سایه حکومت‌های عربی است؛ اگر اصل از بین برود، سایه نیز نابود می‌شود». «تنها خلافت است که فلسطین را آزاد خواهد کرد». «وَأَن اسْتَضْرَوْكُم فِي الدِّينِ فَلْيُكَلِّمِ الضَّرْفُ» «و اگر در دین از شما یاری خواستند، بر شماست که باریشان کنید». رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «کسی که صبح کند و به کار مسلمانان اهتمام نوزد، از آنان نیست».

«ای مسلمانان! آیا مرگ تدریجی کودکان غزه، در برابر دیدگان پدران و مادرانشان، بر شما آسان است؟» «آیا جرمی بزرگ‌تر از این هست که ارتش‌ها را پادگان‌ها بمانند، و یوهایما را راکت‌اندازها در آشیانه‌ها خاموش باشند و دشمنان الله سبحانه‌و تعالی – همان مفضولان – مسلمانان را آلوده کنند؟» «جدات‌الله ای بهترین امتی که برای مردم پدید آمده‌اید! در ایمان خود با الله سبحانه‌و تعالی راست باشید و برادرانتان با الله سبحانه‌و تعالی صادق باشید». رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «مؤمن کسی نیست که شب را سپری بخوابد، درحالی‌که همسایه‌اش گرسنه در کنار او باشد». (حاکم روایت کرده است).

این کردهایی با استقبال گسترده حاضران روبه‌رو شد. آنان برای پیروزی غزه دعا کردند و از موضع‌گیری حزب‌التحریر تمجید نمودند. همچنین، بسیاری از جوانان امت در محل پلاکاردها شرکت کردند که نشان‌دهنده عشق امت برای یاری برادرانشان در غزه بود.

خطر سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سوریه بر حاکمیت و استقلال تصمیم آن

استاد مصطفی عتیق

کنونی، نظامی سرمایه‌داری و آرئند است که مؤسسان سرمایه‌داری ربوی آن را هدایت می‌کنند و هدفشان غارت کشورهای جهان است. با بازگشت به «همایش اقتصادی سرمایه‌گذاران»، آیا دولت دمشق گمان می‌کند که این افراد برای آبادانی اقتصاد فروپاشیده سوریه آمده‌اند؟! بلکه آنان برای چپاول ثروت‌های کشور آمده‌اند؛ این‌ها اجتم‌های خیره نیستند، بلکه سرمایه‌دارانی هستند که هدفشان به‌دست‌آوردن بیشترین سود ممکن است، حتی اگر به زیان ملت سوریه تمام شود.

درحالی‌که در نزدیکی به دولت دمشق یادآوری می‌کنیم که ساختن اقتصاد باید به‌دست مردم کشور، با سرپرستی و نظارت مستقیم دولت، انجام گیرد، نه به‌دست بیگانگانی که حامل استورکارهای گوناگون هستند. بر دولت لازم است سرمایه‌داران را که این افراد می‌توانند در آن سرمایه‌گذاری کنند، مشخص نماید؛ حوزه‌هایی که نباید به مالکیت‌های عمومی تجاوز کند، مالکیت‌ها که باید تحت نظارت و چک‌وکشی دولت باشد؛ چنانچه عمومی محلت عمومی حفظ شود. از اهمیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی این است که دولت حاکمیت خود را بر بخشی از اراضی تحت سرمایه‌گذاری از دست می‌دهد و ورود آسان عوامل بیگانه و جاسوسان به کشور با بهانه سرمایه‌گذاری ممکن می‌شود و نفوذی در واقعیت زندگی فرهنگی و اجتماعی کشور رخ می‌دهد. این اقرون بر فرآیند غارت و انتقال ثروت‌های کشور به بیرون است و نیز پیوستن کشور به نهادهای سرمایه‌داری از راه روابط، معاملات و قراردادهای اقتصادی که غالباً رنگ‌وبوی ربا و انحصار دارند.

از مهم‌ترین خطرات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی است که به‌سبب سرمایه‌گذاران، دیکته‌ها، فشارها و باج‌گیری‌های آنان بر دولت و تغییرات پ‌دیری قوانین و مقررات در راستای منافع آنان ایجاد می‌شود؛ همچنین بی‌ثباتی پول ملی و بدلیل خروج جدید سرمایه‌های کشور، به‌دلیل اثر گذشته و موجب تورم می‌شود. از دیگر ظرات، ورود فرهنگ و سبک زندگی سرمایه‌داری به کشور، تسازکار با فرهنگ مردم بومی و بی‌پایان فساد، رشوه‌خواری، رانت‌خواری، دست‌کاری بازار و انحصار است. اما دیدگاه اسلام در اقتصاد این است که وقیفه دولت، ابتدا تأمین نیازهای اساسی افراد در داخل کشور و سپس تلاش برای تأمین نیازهای تکمیلی است. اسلام بیان می‌کند که شیوه تملک و تصرف در اموال چگونه باشد و مشخص نماید که مالکیت‌های عمومی و خدمات عمومی چه در صورت‌های زیرمینی، بنادر، فرودگاه‌ها، جاده‌ها، آب، سواحل، رودخانه‌ها، آموزش، بهداشت، امنیت و مانند آن، از آن همه مردم است و باید تحت سرپرستی دولت باشد. همچنین باید برای افراد روشن سازد که چه چیزهایی را می‌توانند تملک کنند. بر دولت واجب است که به بازنگری اقتصادی را بر پایه رضایت الله سبحانه‌و تعالی انجام دهد. از اموال و جان‌های مردم محافظت کند و نسبت به جلوگیری از هدررفت، چپاول و انتقال اموال مسلمانان به خارج از کشور حساس باشد و با ایجاد پروژه‌هایی که اقتصاد واقعی و نیرومند را بسازد، به این هدف دست یابد. این‌ها راهکارهایی است که خشودی پروردگار را فراهم می‌آورد، ثبات ما را تضمین می‌کند و

ای ارتش‌های امت! خاموشی شما در قبال غزه ننگی بر پشانی شمامت

آنچه امروز در غزه رخ می‌دهد، صرفاً یک فاجعه انسانی نیست، بلکه جاتیابی تمام‌عیار است که در برابر دیدگان و گوش‌های جهانی که ادعای تمدن دارد، انجام می‌شود و در برابر ارتش‌هایی که امت بر آن‌ها ثروت‌هایشان را خرج کرده و از شکم گرسنه خود سیرشان نموده تا سیر و شمشیرش باشند، اما اکنون همه در یک حرکت می‌کنند، گویی آنچه در غزه می‌گذرد به آن‌ها مربوط نیست، یا گویا مردم غزه از امتشان نیستند!

ای عالمان، اندیشمندان و جوانان صادق! گمان نکنید که مسئول نیستید؛ سکوت، جایت است و خاموشی ای عالمان، دعوت‌گران، اندیشمندان و جوانان صادق! بنویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید، پیوند امت را با قضیه‌اش و پیوند در برابر غزه، مشارکت در همین جایت است. به‌نویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید، پیوند امت را با قضیه‌اش و پیوند ارتش‌ها را با نقش حقیقی‌شان پادآور شوید. به‌نویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید که فرزندان‌ش در حال ذبح شدن‌اند و خاموش است. به ارتش‌ها یادآوری کنید که هنوز برایشان فرصتی برای رهایی، شکستن زنجیرها و حرکت به‌سوی جهاد باقی است.

ای سربازان امت! وقیفه شما اعلان جنگ تمام‌عیار علیه این رژیم غاصب تا آزادی کامل فلسطین است. ما به‌خوبی می‌دانیم که این آرزوی هر فرد مخلص در ارتش مصر است و تنها مانع تحقق آن، نظام فنانی است که ارتش را به هم شکستاده این رژیم غاصب و م‌جری اهدافش بدل کرده است. وقیفه شما ریشمکن کردن این نظام فانیات‌پیشه با همه ابزارها و موبزانش و سپردن رزام کشور به رهبری سیاسی آگاهی است که حامل پروژه اسلام و قادر به اجرای فوری آن باشد. در میان شما، حزب‌التحریر همان رهبری آگاه و مخلص از جنس است که در هدایتش را می‌شناسد، خدغه‌اش را بر دوش می‌کشد و می‌گوید شما را به رضوان الله سبحانه‌و تعالی برساند، ای اجرای شریعت و حمل آن در سایه خلافت راشد به منج نبوت.

ای ارتش پاکستان بشتابید تا افتخار آزادسازی مسجدالاقصی را به دست آورید

پاکستان با توان هسته‌ای خود، ارتشی مؤمن و مجاهد و مردمی دلبسته به اسلام، می‌تواند ظرف چند ساعت جنگ نشکلی را در غزه متوقف کند، بلکه حتی فراتر از آن، قدرت جهانی را درگرو خود سازد، اگر رهبری مخلص تمام صمیم‌گیری را به دست گیرد. به‌نویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید، پیوند امت را با قضیه‌اش و پیوند در برابر غزه، مشارکت در همین جایت است. به‌نویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید، پیوند امت را با قضیه‌اش و پیوند ارتش‌ها را با نقش حقیقی‌شان پادآور شوید. به‌نویسید، خطبه بخوانید، انکار کنید که فرزندان‌ش در حال ذبح شدن‌اند و خاموش است. به ارتش‌ها یادآوری کنید که هنوز برایشان فرصتی برای رهایی، شکستن زنجیرها و حرکت به‌سوی جهاد باقی است.

پس ای افسران ارتش پاکستان و ای فرماندهان ارتش پاکستان! هر کس که درای ایمان در دار دارد: کناجک از شما افتخار آزادسازی مسجدالاقصی را نصیب خود خواهد کرد! افتخار نامش در کتابهای تاریخ به عنوان آزادکننده سرزمین مبارک بیت المقدس خواهد شد، همان‌گونه که مناجاتین ربه‌الله آن را آزاد کرد!

آن‌روز وقتی است که مؤمنان به پیروزی الله سبحانه‌و تعالی شادمان می‌شوند و آن روز، وقتی است که درهای بهشت به روی مجاهد پیروز گشوده می‌شود، یا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَشَاءُونَ أَنْ تَنْفُرُوا إِلَيْنَا فَبِغُزٍّ مُبْتَلًى كُنَّا لَكُمْ إِذَا هُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمَّا غَرَبُوا شَعَرًا مِّنْ أَلْفَةٍ مِّنَ الَّذِينَ آمَنُوا فَمَا يَغِيظُ الْكُفْرَ إِلَّا قَلِيلًا» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چه‌شده است شما را که چون به شمشیر شعله می‌شود در راه الله سبحانه‌و تعالی بسج شوید، به زمین سنگینی می‌کنید؟ یا به جای آخرت، به زندگی دنیا در برابر آخرت جز اندکی نیست».

پس ای افسران ارتش پاکستان و ای فرماندهان ارتش پاکستان! هر کس که درای ایمان در دار دارد: کناجک از شما افتخار آزادسازی مسجدالاقصی را نصیب خود خواهد کرد! افتخار نامش در کتابهای تاریخ به عنوان آزادکننده سرزمین مبارک بیت المقدس خواهد شد، همان‌گونه که مناجاتین ربه‌الله آن را آزاد کرد!

آن‌روز وقتی است که مؤمنان به پیروزی الله سبحانه‌و تعالی شادمان می‌شوند و آن روز، وقتی است که درهای بهشت به روی مجاهد پیروز گشوده می‌شود، یا «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَشَاءُونَ أَنْ تَنْفُرُوا إِلَيْنَا فَبِغُزٍّ مُبْتَلًى كُنَّا لَكُمْ إِذَا هُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمَّا غَرَبُوا شَعَرًا مِّنْ أَلْفَةٍ مِّنَ الَّذِينَ آمَنُوا فَمَا يَغِيظُ الْكُفْرَ إِلَّا قَلِيلًا» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر الله سبحانه‌و تعالی را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گناهپایان را استوار می‌سازد».

اهداف سفر مسعد بولس به لیبی

استاد احمد المهبذ

این سفر از ۲۳ تا ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵ انجام شد و نخستین سفر یک مقام بلندپایهٔ آمریکایی در دوره ترامپ بود. بولس در این سفر با عبدالحمید الدبیهه، نخست‌وزیر دولت غرب لیبی که به‌طور بین‌المللی به رسمیت شناخته‌شده، دیدار کرد و همچنین با محمد المنفی، رئیس شورای ریاستی، ملاقات داشت و تأکید نمود که «آمریکا از مسیر سازمان ملل در لیبی حمایت می‌کند».

او در سخنانی بر برگزاری انتخابات بر پایه توافق قانون اساسی مورد تأیید بافشاری کرد. همچنین در مرکز «الرحمه» در شهر اطنی با خلیفه حفر و پسرش مدام دیدار نمود، بدون آن‌که با مجلس نمایندگان یا مجلس دولت دیداری داشته باشد.

در جریان این سفر، توافق‌نامه‌هایی با شرکت ملی نفت لیبی برای توسعه میدین نفت و اکتشاف گاز و آب‌های سرزمینی این کشور امضا شد. این دیدار با شرکت ملی نفت بدون حضور عبدالحمید الدبیهه صورت گرفت. همچنین گزارش شد که او با رئیس بانک مرکزی نیز جلسه داشته است. بررسی روند این سفر نشان می‌دهد که بیشتر ماهیتی اقتصادی داشته و مسائل سیاسی صرفا برای تضمین و تثبیت پروژه‌های اقتصادی مطرح شده‌اند؛ زیرا آمریکا بویژه در پی تسلط بر منابع کشور و کنار زدن دیگران، به‌خصوص اروپایی‌ها، از عرصه اقتصادی است. تمرکز اصلی دیدارها بر همکاری با شرکت ملی نفت، امضای توافق‌نامه‌های توسعه میدین، خانه‌های جدید، اکتشاف گاز و سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی بوده است.

این سفر بخشی از یک تور منطقه‌ای شامل تونس، الجزایر و مراکش بود که نشان‌دهنده عزم آمریکا برای تقویت نفوذ خود در شمال آفریقا، بویژه لیبی، است. همین رقابت میان آمریکا از یکسو و فرانسه و بریتانیا از سوی دیگر بر سر نفوذ در تونس، الجزایر و مراکش نیز آشکار است.

در پایان، دو قرارداد میان شرکت ملی نفت و دو شرکت آمریکایی، از جمله شرکت «هیل»، به امضا رسید. همچنین توافقی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی همچون نفت و پروژه‌های بزرگ، به‌عنوان بخشی از چارچوب بلندمدت روابط آمریکا و لیبی، با ادعای «تقویت همکاری‌ها» منعقد گردید. او همچنین در طرابلس با «هانا نیتیه» نماینده دبیرکل سازمان ملل دیدار کرد تا درباره نقش هیئت سازمان ملل در لیبی به تفاهم برسد؛ نه‌آدی که بیشک مجری پیگیری سیاست آمریکا در قبال بحران لیبی است و مأموریت دارد مانع دستیابی به راه‌حل شده و در صورت بروز انفجار اوضاع، آن را مبار کند.

با نگاهی به وضعیت لیبی در سال‌های اخیر، آشکار است که آمریکا همچنان کوشیده از حل این بحران جلوگیری کند. این کار با از طریق مهره خود، حفر، یا واسطه‌گری رژیم مصر و یا از راه هیئت سازمان ملل انجام می‌شود. هرگاه گفت‌وگوهای لیبی–لیبی به آسانانه توافق نزدیک‌شده، آمریکا با حفر را برای تخریب آن وارد عمل کرده، با هیئت سازمان ملل را وا داشته تا عامل جدیدی وارد روند کند و مذاکرات را به بن‌بست بکشاند و چرخه بی‌پایان گفت‌وگوهای پرتنجیه را حفظ کند. عملکرد غسان سلامه، با مذاکرات دوران استعفایی ویلیامز و جاش‌نیتاش، گواه این رویکرد است. آمریکا همان کسی است که مانع دستیابی لیبی‌لیبی می‌شود، نه می‌خواهد اوضاع به جنگ تمام‌عیار کشیده شود و نه اجازه می‌دهد وحدت و ثباتی ایجاد گردد که کشور را به سمت ساخت‌وساز و پیشرفت برود، بلکه وضع را به همان حالت «نه وصل، نه طلاق» نگه می‌دارد.

بر همین اساس، آمریکا در این شرایط می‌کوشد نفوذ خود را تثبیت کرده و روابط اقتصادی و سیاسی ایجاد کند که به‌شکرت‌های امکان دهد بر منابع کشور مسلط شوند و در نیروهای سیاسی و نظامی، مبره‌های مطیع خود را پرورش دهد. این کشور

آشکارا از لشکر ۴۴۴، چه در فرماندهی و چه در ستاد و حتی در تسلیح و آموزش، حمایت می‌کند؛ همچنین از لشکر ۱۱۱، هرچند که این دو در اصل وابسته به آن نبوده‌اند. بااین‌حال، در ماه‌های اخیر تراف‌آمد فرماندهان و مسئولان این دو لشکر به آمریکا افزایش‌یافته و در دیدارها، اوضاع موجود بررسی‌شده است. پس‌ازاین دیدارها، نیروی «حمایت از ثبات» متخل شد و فرمانده آن، عبدالفتی الککلی، کشته شد؛ کسی که به نظر می‌رسید بیش‌ازحد مجاز قدرت گرفته است. اگر واکنش سریع سایر شیعه‌نظامیان در طرابلس، زاویه و دیگر مناطق که خطر را متوجه خود دیدند و اختلافات‌شان را کنار گذاشتند، نبود، درگیری‌ها متوقف نمی‌شد و روند حذف فیزیکی ادامه پیدا می‌کرد. آمریکا وقتی دید مسیر نظامی ممکن است به شرایطی نامطلوب برایش منجر شود، دوباره به روش اقتصادی بازگشت و تلاش کرد با ورود شرکت‌هایش به بخش نفت و گاز و در دست گرفتن کنترل آن، کشور را از نظر اقتصادی به خود وابسته سازد و به هیچ یک از رقبای اروپایی یا حتی شرکای خود سهمی ندهد. روس‌ها نیز توسط مبره‌اش حفر وارد محنه شدند تا در زمان لازم، بیرون‌کردن‌شان آسان باشد.

شایان ذکر است که حدود دو ماه پیش، از طریق رسانه‌ها اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه آمریکا قصد دارد شماری از مجرمان زندانی‌شده در زندان‌های خود را با هماهنگی برخی شبه‌نظامیان و نیروهای محلی به لیبی منتقل کند، اما پس از بروز مخالفت‌های شدید، این خیر تکذیب شد. همچنین گزارش شد که آمریکا می‌خواهد دگرگانه‌های غزه را برای خارج کردن ساکنان آن و اسکانشان در لیبی به سود بیهوش باز کند، اما این اقدام نیز با مخالفت گسترده مردمی روبه‌رو شد و انجام نگرفت. از سوی برخی محافل سیاسی لیبی با احتیاط فراوان، سفر مسعد بولس به طرابلس و بغازی را زیر نظر گرفتند تا ببینند آیا او این موضوعات را مطرح خواهد کرد یا خیر؛ اما هیچ‌یک از این مسائل در جریان سفر مطرح نشد. خلاصه آن‌که محور اصلی سفر مسعد بولس همان‌گونه که آمریکا و وابستگانش در کشور ادعا می‌کنند، بر «ایجادشراکت اقتصادی» متمرکز بود.

در این چارچوب، طرح‌هایی به ارزش ۷۰ میلیارد دلار در حوزه‌های انرژی، زیرساخت، بهداشت و فناوری ارائه شد.

وبسایت الجزیره نت گزارش داد که «تمرکز آشکارا بر پرونده اقتصادی برای بازگرداندن نقش آمریکا وجود داشت. درحالی‌که دیدار با مجلس نمایندگان و شورای عالی دولت تأدیده گرفته شد»؛ امری که نشان می‌دهد سفر، ماهیتی کاملاً اقتصادی داشت و پروژه‌های سیاسی یا اساسی مطرح نشدند یا به اولویت نبودند. این در حالی بود که پیش‌تر، عبدالحمید دبیه به ترکیه سفر کرده و در نشست سمع‌نیمایی با حضور ترکیه، آمریکا و لیبی شرکت کرده بود. ترکیه و ایتالیا هرچند در پی منافع خود هستند، اما از نظر آمریکا رقیب مصوب نمی‌شوند و چنین رقابتی در میانشان مجاز است.

در پایان، خطاب به برخی لیبیایی‌هایی که می‌پندارند پاسخ مثبت دادن به خواسته‌های آمریکا به سود لیبی است، باید گفت، این گمان، همانند پندار کسی است که سراب را آب می‌پندارد تا با آن عطش خود را فرو نشاند؛ الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: وَالَّذِينَ قَالُوا إِنَّا مَعَهُ لَشَفَعَاءُ قَدْ خَلَوْا أَنْفُسُهُمْ يَخَذِلُونَ الَّذِينَ خَلَوْا بَيْنَهُمْ وَاللَّهُ يَخَذِلُ الَّذِينَ يَخَذِلُونَ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْعِقَابِ «و آنهایی که با آن‌ها عهد می‌بندید، آن‌ها را فراموش می‌کنند و خداوند عذاب را برای آن‌ها بسیار سریع است»؛ پس هیچ پناهمگانی در دشمن جز به‌سوی الله سبحانه‌وتعالی برایتان نیست.

استاد احمد المهبذ

این سفر از ۲۳ تا ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵ انجام شد و نخستین سفر یک مقام بلندپایهٔ آمریکایی در دوره ترامپ بود. بولس در این سفر با عبدالحمید الدبیهه، نخست‌وزیر دولت غرب لیبی که به‌طور بین‌المللی به رسمیت شناخته‌شده، دیدار کرد و همچنین با محمد المنفی، رئیس شورای ریاستی، ملاقات داشت و تأکید نمود که «آمریکا از مسیر سازمان ملل در لیبی حمایت می‌کند».

او در سخنانی بر برگزاری انتخابات بر پایه توافق قانون اساسی مورد تأیید بافشاری کرد. همچنین در مرکز «الرحمه» در شهر اطنی با خلیفه حفر و پسرش مدام دیدار نمود، بدون آن‌که با مجلس نمایندگان یا مجلس دولت دیداری داشته باشد.

در جریان این سفر، توافق‌نامه‌هایی با شرکت ملی نفت لیبی برای توسعه میدین نفت و اکتشاف گاز و آب‌های سرزمینی این کشور امضا شد. این دیدار با شرکت ملی نفت بدون حضور عبدالحمید الدبیهه صورت گرفت. همچنین گزارش شد که او با رئیس بانک مرکزی نیز جلسه داشته است. بررسی روند این سفر نشان می‌دهد که بیشتر ماهیتی اقتصادی داشته و مسائل سیاسی صرفا برای تضمین و تثبیت پروژه‌های اقتصادی مطرح شده‌اند؛ زیرا آمریکا بویژه در پی تسلط بر منابع کشور و کنار زدن دیگران، به‌خصوص اروپایی‌ها، از عرصه اقتصادی است. تمرکز اصلی دیدارها بر همکاری با شرکت ملی نفت، امضای توافق‌نامه‌های توسعه میدین، خانه‌های جدید، اکتشاف گاز و سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی بوده است.

رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ، پرونده سودان را به مسعد بولس سپرده است؛ همان مشاوری که نقش مهمی در جلب آرای عربی برای پیروزی ترامپ در کارزار انتخاباتی‌اش داشت و بانی اجلاس واشنگتن بود؛ اجلاسی که نهایتاً لغو‌شد.

قرار بود چهارشنبه ۳۰ ژوئیه، وزیر خارجه آمریکا «مارکو رابیه» میزبان نشست کمیته چهارجنبه دربارهٔ سودان با حضور وزرای خارجه عربستان، مصر و امارات باشد، اما این نشست بدون ذکر دلیل یا تاریخ جدید لغو‌شد و همین امر پرسش‌ها و ناامیدی‌هایی را در میان سیاستمداران و ناظران برانگیخت.

هدف این نشست، بر اساس بیانیه وزارت خارجه آمریکا، آغاز گفت‌وگوی سیاسی فراگیر میان طرف‌های دیگر، توقف مداخلات خارجی، تأکید بر وحدت و حاکمیت سودان، صدور بیانیه مشترک برای پایان درگیری‌ها و راه‌اندازی ابتکاراتی برای تسهیل ارسال آرایه «کمی‌های بشردوستانه» خوانده می‌شود، بود.

اما نگاهی دقیق به تحولات سودان نشان می‌دهد که آمریکا تمام رشته‌های این بازی را در دست دارد؛ این واشنگتن بود که جنگ میان دو مبره خود، البرهان و حمیدتی را برای بیرون راندن نفوذ اروپا به‌ویژه بریتانیا شعلهور کرد. آمریکا همان بود که «مبر جد» را برای انحصار روند حل بحران در اختیار خود ایجاد کرد و دستور به طولانی‌کردن جنگ داد، «مبر سونس» را برای فریب افکار عمومی به راه انداخت، سپس سازوکار «چهارجنبه» را شکل داد که در آن بریتانیا جایی نداشت و حالا هم دو بار آن را به تعویق انداخته است. خیرگزاری فرانسه گزارش داد که دلیل تعویق نشست، اختلاف میان مصر (وابسته به آمریکا) و امارات (وابسته به بریتانیا)

بر سر بن‌دی در بیانیه پایانی بوده است؛ بن‌دی که به پیشنهاد امارات فواستر حذف ارتش و نیروهای واکنش سریع از آینده روند سیاسی سودان بود و این چیزی نیست که آمریکا بخواهد. واشنگتن دقیقاً به همین منظور جنگ را بین البرهان و حمیدتی برافروخت و اکنون عملاً در حال تثبیت نفوذ هر یک از این دو در مناطق تحت کنترلشان است؛ نتیجه این سیاست، شکل‌گیری دو دولت موازی در یک کشور، به‌طور هم‌زمان، بوده است.

اول: دو رئیس برای شورای حاکمیت وجود دارند؛ البرهان و حمیدتی.

ثانی: دو معاون برای شورای حاکمیت؛ مالک عفار به‌عنوان معاون البرهان و العلو به‌عنوان معاون حمیدتی.

ثالثاً: دو نخست‌وزیر؛ کامل ادریس با دولت البرهان و العتایشی با دولت حمیدتی.

رابعاً: در هر دو دولت، استانداران ایالت‌ها منصوب خواهند یافت.

ای مخلصان در ارتش کئانه: الان زمان شماس‌!

پس برای الله سبحانه‌وتعالی همچون صادقان برخیزید

ای مخلصان در ارتش کئانه، ای فرزندان پاک‌بند مصر، ای آنان که هنوز گرمای ایمان و غیرت اسلام در سینه‌هایتان زنده است، ای کسانی که سوگند یا کردید از مصر و مردمش پاسداری کنید و شمشیری برای اسلام باشید، نه تازیانه‌ای در دست ستمگران؛

آیا زمان آن رسیده که حق گفته‌شود؟! آیا وقت آن رسیده که همچون عمر، خالد و نبل الدین باشید؟! آیا زمان آن رسیده که این گروه خود را که گردن‌خاست ما را به دشمن سپرد و آب نیل را به شما تپید در بازار وابستگی فروخت، از میان بردارید؟! سد انقبضه که در سرششمه‌های نیل ساخته شده، تنها یک سد نیست، بلکه خنجر زهرآلود آمریکاست که در انتظار انفجاری مناسب است تا زندگی مردم شما را از ریشه بزند.

تاریخ در حال نوشته‌شدن است و امروز شما در برابر فرمتی فرواموش‌نشدنی قرار دارید؛ یا مردانی خواهید بود که الله سبحانه‌وتعالی به دستانتان پیروزی و تمکین می‌نویسد؛ حکومت اسلام و دولت او را برپا می‌سازید و دست آمریکا را از مصر و مردمش کوتاه می‌کنید؛ یا خاموش و ذلیل می‌مانید و وزر سکت و سستی تا روز قیامت بر شما نوشته می‌شود!

پس یاوران این دین باشید، همان‌گونه که انصار در مدینه بودند، پرچم اسلام را برافرازید، اعلام برکناری نظام مزدور کنید و مصر را نقطه آغاز یمنی امت از هر سطح و استعمار قرار دهید و خلافت راشده را اقامه سازید؛ خلافتی که آب نیل، خون مسلمانان و گرامتشان را بر پای می‌دارد.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنَ مَا بَ»

روش‌ها و ابزارهای کونگونی برای غریزده کردن امت و جدا ساختن جوانان آن از فرهنگ اسلامی‌شان به‌کار گرفته‌شده است، اما هدف همه یک چیز است: نابودی هرگونه شایعه بیداری در امت و تلاش پیگیر برای نامعنک ساختن هر آغاز واقعی برای خدمت حقیقی، زیرا آثار به‌خوبی می‌دانند و باور دارند که چنین نهنشی، آغاز پایان محتوشان خواهد بود. هرچند پس از مدتی.

این فرهنگ غربی، با حمایت مستقیم حکومت‌ها، نیروی جوان امت اسلامی را تباه کرده، توان و انرژی آنان را هدر داده و امکان‌شان را فرسوده است؛ تا جایی که جوانان را سرگردان و بی‌هدف می‌کند، میان تریزد و فشار قرار داده، از مسائل واقعی امتشان دور کرده و از ایفای نقش حقیقی‌شان را رسدین به غایتی که برای آن آفریده‌شده‌اند یعنی جلب رضای الله سبحانه‌وتعالی در همه اعمالشان محروم ساخته است.

پس باید این حقیقت برای امت اسلامی و بویژه برای جوانانش، روشن و آشکار باشد که روشی که انسان برای دستیابی به سعادت برمی‌گزیند، نباید تله‌ی گاهی مایه خشنودی اوشود؛ بلکه آرامش باید بیامرد و تمرخش باشد و این جز با عقیده‌ای مسیح و عقلانی ممکن نیست. عقیده مسیح، که بزرگ زندگی را به‌دسترسی می‌کشاید و از راه‌آمل‌های برمی‌خیزد؛ یعنی احکام شرعی هماهنگ و منسجم که غایت را که همان رضای الله سبحانه‌وتعالی است محقق می‌کند و این رضایت، خود همان سعادت است. چنان‌که الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنَ مَا بَ «آن کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، خوش‌به حال ایشان و چه جایگاه زیبایی دارند».

آمریکا نخست «چهارجنبه» دربارهٔ سودان را به تعویق انداخت تا «سناریو سیاسی» در این کشور به مرحله دلخواهی برسد

استاد ابراهیم مشرف

شده‌اند که هر کدام را روشای شورای حاکمیت تعیین کرده‌اند.

همچنین وزیرانی وجود دارند که برخی در هر دو دولت منصوب شده‌اند و برخی هنوز منتظرند… آیا همه این‌ها آغاز عملی تجزیه سودان نیست؟

به‌طورکلی، آمریکا می‌خواهد مردم سودان را در برابر یک واقعیت گریزناپذیر قرار دهد؛ به رسمیت شناختن دو مبره‌اش و سپس نشاندن آن‌ها بر سر سر میز مذاکره، تحت نظارت واشنگتن، برای تقسیم‌بند سودان؛ همان گای‌ی که این دو پس از برپا کردن جنگی بی‌پوده و پلید، برای انحصار قدرت به نفع نفوذ آمریکا، بخش کرده‌اند.

اما سایر گروه‌های مسلح، سهمی جز تکه‌های ناچیز یا باقی‌مانده استخوان‌ها در ساختار این دولت نخواهند داشت، هر یک بسته به میزان قدرت و نفوذش.

پیگیری اوضاع سودان را نشان می‌دهد که آمریکا در حل بحران تعلل می‌کند تا ابزارهای بریتانیا (گروه‌های مسلح دارفرو و مبره‌های غیرنظامی آن) را کاملاً کنار بزند، اگر بتواند، یا آن‌ها را تحت کنترل مبره‌های خود درآورد. در این میان، منایق نمایل خود را به گفت‌وگو با نیروهای واکنش سریع ابزار کرده و گفته است: «ما همچنان با جامعه بین‌المللی و نیروهای سیاسی، حتی با واکنش سریع، در تماس خواهیم بود اگر دیدگاه معقولی بیابیم» (الجزیره، ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۵).

نشست چهارجنبه، همچون بسیاری از نشست‌های دیگر، به تعویق افتاد تا آمریکا بتواند به بهانه‌ایی بر سودان حمله کند یا دست‌کم نفوذ غالب را به دست آورد.

آمریکا، به‌عنوان قدرت اول جهان، سهم بزرگی در تمام بحران‌های موجود دارد. این کشور کانو‌های تنش را در مناطق ملتب می‌آفریند، بحران‌ها را ایجاد و مشکلات را دامن می‌زند. پس‌ازاینکه سودان مدیریت آن‌ها را به‌دست می‌گیرد و خود را به دنبال «راه‌حل» می‌گردد، همه این‌ها بخشی از راهبردش برای سلطه بر جهان است. درآوردن است که مسلمانان برای منافع استعمارگران با یکدیگر بجنگند و بی‌پوده است که گمان کنیم راه‌حل از سوی همین دشمنان خواهد آمد. گرواردن سر‌وشت کشورهای اسلامیه به غیر اسلام، خودکشی سیاسی است. راه‌حل در دست ماست، با قرار دادن اسلام به‌عنوان به‌منای مینا برای حل مشکلات؛ چیزی که در دولت‌های دول وجود ندارد، زیرا این دولت‌ها کارگزارانی هستند که با اربابانشان دستور می‌گیرند. تنها با قرار دادن عقیده اسلامی به‌عنوان اساس زندگی، می‌توان دشمنی مسلمانان را از خلافت بیگانگان رها‌نید و این جز در سایه خلافت راشده بر منج نبوت تحقق خواهد یافت.